

## نقد اتهام نبی‌انگاری امام نزد امامیه\*

[عبدالهادی احمدی<sup>۱</sup>]

### چکیده

در برخی از آثار وهابیت، باور به نبوت پیشوایان شیعه، به امامیه نسبت داده شده، که نوعی زمینه‌سازی برای تکفیر شیعیان است. پرسش اساسی نگاشته حاضر این است که وهابیت با چه دستاویزی این انگاره را به شیعه نسبت می‌دهد؟ نبی‌انگاری امام نوعی غلو در شأن و جایگاه امام است. مدعی چنین عقیده‌ای علاوه بر امامت، مقام نبوت را نیز برای ائمه قائل می‌شود. این باور به دلیل تضاد با ضروری دین، یعنی ختم نبوت، زمینه‌ساز تکفیر شیعیان می‌شود. برای ارائه پاسخ، نخست با بررسی پیشینه نبی‌انگاری و هم‌چنین اختلاف ماهوی و صفاتی نبی و امام در اندیشه شیعه و وهابیت، به چند دستاویز احتمالی همچون وجود غلات منتسب به شیعه و برخی ویژگی‌های امام از دیدگاه شیعیان، اشاره می‌کنیم. سپس با بررسی منابع وهابیت نشان می‌دهیم که ادله آنها نوعاً منسوخ، مبنایی، مغالطی و یا صرفاً تبلیغی است.

**کلیدواژه‌ها:** امام، شیعه، عصمت، علم غیب، نبی‌انگاری، وهابیت.

\* تاریخ دریافت مقاله: (۹۷/۱۱/۰۱)، تاریخ پذیرش: (۹۸/۰۴/۰۴).

۱. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم، abdolhadiahmadi24@gmail.com

## مقدمه

در نوشتار حاضر تلاش می‌شود اتهام، انتساب نبی‌انگاری امام به شیعه که توسط وهابیت نشر داده می‌شود، بررسی و ارزیابی گردد. از نگاه وهابیت شیعه باورمند به نبوت پیشوایان دینی خود (امام) است. این باوری است که در برخی از کتب وهابیت تکرار شده است. در واکاوی این نگاه، نخست به کشف عوامل و ادله این انتساب پرداخته می‌شود و پس از دستیابی به علل این انگاره، آن ادله مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد.

برای دستیابی به علل این اتهام، از دوروش لمّی و ائی استفاده شده است. نخست از طریق لمّی (که نمونه کمتری می‌طلبد)، عوامل احتمالی این انگاره جستجو شد. در این مرحله مظانّ این عوامل، مانند پیشینه نبی‌انگاری ائمه و اختلافات و اشتراکات ماهوی و صفاتی نبی و امام در اندیشه فریقین، واکاوی شد، که نتیجه آن، دسترسی به چند منشأ احتمالی برای این اتهام بود.

با این حال، احتمال وجود عواملی دیگری هم چنان باقی بود. به همین دلیل در ادامه، مسئله را از طریق ائی مورد بررسی قرار دادیم. البته این روش نیاز به جستجوی فراوان داشت. برای این امر، به بیش از هزار منبع از منابع وهابیت مراجعه، و در کتبی که به این مسئله پرداخته بودند، ادله آنها برای انتساب نبی‌انگاری به شیعه بررسی شد. نتیجه این مرحله، علاوه بر تأیید یافته‌های روش لمّی، یافتن ادله دیگری از وهابیت برای این انگاره بود.

این مقاله در ادامه، با دسته‌بندی ادله ائی در چهار بخش، و نقد آنها، سست بودن مبانی این اتهام را اثبات می‌کند. در این بین، روش وهابیت در القای این شبهه و روش نقد این شبهه نیز مشخص می‌شود.

---

۱. «اتهام نبی‌انگاری امام به شیعه» معلول است. اگر از واکاوی معلول (اتهام نبی‌انگاری) به علت رسیدیم، سیرانی را پیموده‌ایم که در بخش شماره ۴ این مقاله، چنین شده است. اما در بخش اول، علل احتمالی اتهام نبی‌انگاری بررسی شده و این سیراز علت به معلول ولمی است.

## ۱- پیشینه نبی‌انگاری ائمه

گویا نبی‌انگاری ائمه، نخست با یک تهمت برای حذف رقیبی قدرتمند شروع شده است. اولین بار، ادعای نبوت ائمه را به مختار ثقفی نسبت می‌دهند. این نسبت را بنی‌امیه و عبدالله بن زبیر برای تخریب چهره قیام مختار ایجاد کردند. شاید ریشه این تهمت، خبرهایی باشد که مختار از آینده قیام خود می‌داد و همه آنها تحقق پیدا می‌کرد. او این اخبار را منسوب به حضرت علی علیه السلام می‌دانست. از آن جا که در اذهان مسلمانان آن زمان، خبر از آینده، علم غیب محسوب می‌شد که فقط انبیا از طریق ارتباط با خدا آن را به دست می‌آوردند، این توهم ایجاد شد که مختار، ادعای نبوت حضرت علی علیه السلام را دارد.<sup>۱</sup>

از این تهمت که بگذریم، در عالم واقع نیز برخی از فرق غلات، که با وجود طرد از طرف امامیه از سوی مخالفان به شیعه منسوب می‌شدند، چنین اعتقادی داشته‌اند؛ فرقه‌هایی با عنوان‌های «شریکیه»، «اشینیه»، «عینیه»، «امریه» و «میمیه» که معتقد بودند حضرت علی علیه السلام در نبوت با حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم شریک بوده است.<sup>۲</sup> هم چنین فرقه‌هایی با عنوان‌های «زمیه»، «غرابیه»، «زباییه» و «مخظئه» که نبوت را حق حضرت علی علیه السلام می‌دانستند و می‌گفتند: جبرئیل به دلیل شباهت فراوان میان حضرت علی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، در هنگام نزول وحی خطا کرد و وحی را بر پیامبر فرود آورد و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای راضی کردن حضرت علی علیه السلام، دختر خود را به او داد.<sup>۳</sup>

شاهد وجود چنین عقایدی، افزون بر منابع تاریخی، روایاتی است که نشان می‌دهد

۱. رک: حمیری، ابوسعید نشوان بن سعید بن نشوان، الحور العین عن کتب العلم الشرائف دون النساء العفائف، ص ۱۸۲.

۲. مقریزی، احمد، الخطط المقریزیه، ۴/ ۳۰۴.

۳. همان، ۴/ ۳۰۳. این‌که آیا تمامی این گزارش‌های تاریخی صحیح است یا نه، اکنون محل بحث نیست. به‌هر روی، چنین سخنانی در میراث اسلامی به بخشی از مسلمانان که منتسب به شیعه می‌شدند، نسبت داده شده است. برای آگاهی بیشتر رک: رضوی، رسول و بهرامی، علیرضا، «نقد جریان شناسی نوبختی در فرق الشیعه»، کلام اسلامی، شماره ۸۵.

ائمہ، باورمندان به پیامبری ایشان را لعن و نفرین می‌کردند؛ به عنوان نمونه، امام صادق علیه السلام در روایتی از خود و ائمه دیگر علیهم السلام نبوت را نفی کرده و بر قائل به نبوت آنان، لعنت فرستاده است.<sup>۱</sup> از این احادیث می‌توان برداشت کرد که در زمان امام صادق علیه السلام، قائلان به نبوت ائمه علیهم السلام وجود داشته‌اند. البته در این احادیث، از فرقه مشخصی نام برده نشده است.

از این رو می‌توان به اجمال ادعا کرد، نبی‌انگاری ائمه توسط برخی فرق اسلامی، امری مسلم در تاریخ اسلام است که در کتب ملل و نحل، فرقه‌هایی که چنین عقایدی داشتند، یاد شده‌اند. انتساب این فرق به شیعه، می‌تواند یکی از دستاویزهای وهابیت برای ادعای پیوستگی این انگاره به شیعه باشد.

## ۲- ائمه و امامیه در تقابل با نبی‌انگاری

شاخصه‌هایی در فرایند تدوین اندیشه امامیه نشان می‌دهد، پیشوایان شیعه، تقابلی جدی با انگاره نبوت خویش داشته‌اند. یکی از نشانه‌ها، مبارزات جدی و مستمر ائمه و علمای شیعه با غالیان است. شیخ مفید در تبیین افکار غلات می‌نویسد:

غلات کسانی هستند که به اسلام تظاهر نموده و به امیرمؤمنان و فرزندان ایشان، نسبت خدایی و پیامبری می‌دهند.<sup>۲</sup>

در نگاه علامه مجلسی، از نشانه‌های غلو، باورمندی به نبوت پیشوایان شیعه است: بدان غلودر... حق ائمه این است که گفته شود... آنها نبی بودند...<sup>۳</sup>. بنابراین یکی از مصادیق برجسته غلو از دیدگاه علمای شیعه، قائل شدن به نبوت ائمه علیهم السلام است.

تقابل صورت یافته با این تفکر نکوهیده، نشان از طرد و عدم پذیرش این نگاه از

۱. طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ۱/۱۶۰ و ۱۹۲ و ۱۹۴.

۲. مفید، محمد بن محمد، تصحیح الاعتقادات، ص ۱۳۱.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ۲۵/۳۴۶.

سوی اندیشوران شیعه از دوره‌های دور دارد. نجاشی و علم الهدی، اسامی تعداد زیادی از علما و مشایخ شیعه که کتابی با نام «الرد علی الغلاة» یا «الرد علی الغالية» نوشته‌اند را ذکر کرده‌اند.<sup>۱</sup> در جمع این نویسندگان، عالمان و بزرگان شیعه و فقهای نامداری دیده می‌شوند که برخی در عصر ائمه علیهم‌السلام و عده‌ای در ابتدای غیبت کبری می‌زیسته‌اند. از نگاه اندیشمندان امامیه، غلات نه تنها غیرشیعه و غیرمسلمان، بلکه هم‌ردیف کفار و بت پرستان به شمار می‌آیند. شیخ مفید می‌فرماید:

غلات از متظاهران به اسلام، آنهایی هستند که به امیرالمؤمنین و ائمه اطهار از ذریه آن حضرت، نسبت الوهیت و نبوت داده‌اند... و آنها گمراه و کافرند و امیرالمؤمنین، حکم به قتل و سوزاندنشان دادند، و ائمه حکم کفر و خروج از اسلام آنها را صادر کردند.<sup>۲</sup>

هم‌چنین فقیه بزرگ شیعه، محمدحسن نجفی، غلات را هم‌ردیف کفار و بت پرستان دانسته و این را اجماع علمای شیعه می‌داند. او می‌نویسد:

در بین فقها، هیچ سخنی در نجاست غلات نیست؛ بلکه برنجاست آنان نقل ادعای اجماع شده است و کسانی که بت‌ها و ستارگان را عبادت می‌کنند، مثل غلات‌اند و هم‌چنین دهریه.<sup>۳</sup>

ائمه نیز به شدت با پدیده غلو مبارزه کرده‌اند. علامه مجلسی در بحار الانوار حدود یکصد حدیث از پیشوایان شیعه در طرد و رد غلو و غالیان روایت کرده است.<sup>۴</sup> دو نمونه از این روایات این‌گونه است: امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

أنا أبرأ مما قال إنا أنبياء؛<sup>۵</sup> من از کسی که ما را پیامبر بداند، بیزار می‌جویم.

۱. نجاشی، احمد بن علی، رجال، ۱/۱۲۱ و ۲۰۰ و ۴۰۰۲؛ علم الهدی، سید مرتضی، الذریعة، ۲۱۳/۱-۲۱۴.

۲. مفید، محمد بن محمد، همان، ص ۱۳۱.

۳. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ۵۱/۶.

۴. رک: مجلسی، محمدباقر، همان، ۲۵/۲۶۱-۳۴۶.

۵. همان، ۲۵/۲۹۱؛ طوسی، محمد بن حسن، همان، ص ۳۰۱.

هم چنین می فرماید:

مَنْ قَالَ بِأَنَّا أَنْبِيَاءُ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ؛ وَمَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ!<sup>۱</sup>  
لعن و نفرین پروردگار بر کسی باد که ما را پیامبر بداند و نیز بر هر آن کس  
که در این گفتار شک کند.

با وجود تصریح اندیشمندان شیعه و هم چنین پیشوایان شیعه بر کنار نهادن اندیشه  
غالیانه و مخالفت با آن، پرسش این است که دلیل اصرار وهابیت بر ادعای  
نبی‌انگاری ائمه توسط شیعه چیست؟ بررسی منطقی گفتار و میراث وهابیت  
نشان می‌دهد، این گروه تلاشی ویژه در نسبت دادن این نگاه به شیعه داشته است.  
عوامل این انتساب با نگاهی آتی به مسئله، از این قرار است:<sup>۲</sup>

### ۳- نبی‌شناسی و امام‌شناسی فریقین

یکی دیگر از مسائلی که احتمال دارد از عوامل این انگاره باشند، اختلاف ماهوی یا  
صفتی نبی و امام از دیدگاه شیعه و وهابیت است. برای رسیدن به صحت و سقم  
این احتمال، لازم است ماهیت و ویژگی‌های نبی و امام، از دیدگاه فریقین بررسی  
شود. اگر نتیجه وحدت باشد، باید دنبال عوامل دیگری برای این اتهام باشیم. اما  
اگر اختلافی در این امر باشد، این اختلاف می‌تواند یکی دیگر از عوامل دستاویز  
وهابیت در انتساب این انگاره به شیعه باشد.

#### ۳-۱- نبی

واژه نبی را باید از دو حیث ماهوی و صفتی از دیدگاه شیعه و وهابیت بررسی کرد تا  
وحدت یا اختلاف دیدگاه‌ها مشخص شود.

#### ۳-۱-۱- تعریف نبی

در منابع شیعه و وهابیت، یا مستقلاً نبی تعریف شده است یا در مقایسه نبی با

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ۲۵/۲۹۶.

۲. با انجام سیرلمی در کشف عوامل این انگاره و رسیدن به برخی علل، احتمال وجود علل  
دیگری هم چنان باقی است. لذا نیاز به یک سیراتی هم احساس می‌شود تا هم مؤید  
یافته‌های قبلی باشد و هم تمام عوامل استفاده‌شده را برای ما مشخص کند.

رسول، مطالبی ذکر کرده‌اند که می‌توان، تعریف نبی را از آن استنباط کرد. در این نوشته از هر دو نوع تعریف استفاده شده است.<sup>۱</sup>

مشهورترین تعریف نبی، تعریف سید مرتضی است که با قدری تسامح، می‌توان گفت، تعریف قریب به اتفاق شیعه از نبی همین است:

النبي هو الانسان المخبر عن الله تعالى بغير واسطة أحد من البشر؛ نبی انسانی است که بدون واسطهٔ انسانی دیگر، از جانب خداوند خبر می‌دهد.<sup>۲</sup>

مشهورترین تعریف وهابیان از نبی، تعریفی است که ابن تیمیه ارائه کرده و بعد از او، اکثر علمای وهابی از او پیروی کرده‌اند:

فالنبي: هو الذي ينبئه الله و هو ينبي بما أنبأ الله به؛ نبی کسی است که خدا به او خبر داده و او آن خبر را به مردم می‌رساند.<sup>۳</sup>

در تعریف مشهور شیعه و وهابیت از نبی، نکتهٔ قابل توجهی که باعث اختلاف باشد، وجود ندارد. از این رو اتهام نبی‌انگاری امام، نمی‌تواند در تعاریف دو طرف از نبی ریشه داشته باشد. البته مباحث آینده، درستی این مطلب را روشن‌تر خواهد کرد.

۱. حلی، حسن بن یوسف، الباب الحادي عشر، ص ۳۴؛ ابن میثم بحرانی، میثم، قواعد المرام، ص ۱۲۲؛ آل‌الشیخ، صالح بن عبدالعزیز، شرح العقيدة الطحاوية، ۱۸/۶؛ همان، ۲/۱۵.

۲. علم‌الهدی، سید مرتضی، الحدود والحقائق، ص ۱۸۷؛ طوسی، محمد بن حسن، الاقتصاد الهادي الى طريق الرشاد، ص ۱۵۱؛ ابن میثم بحرانی، میثم، همان، ص ۱۲۲؛ حلی، حسن بن یوسف، نهج‌المسترشدين، ص ۲۹۵؛ سیوری، فاضل مقداد، اللوامع الإلهية، ص ۱۶۵؛ فیاض لاهیجی، عبدالرزاق، گوهر مراد، ص ۲۹۵؛ حلبی، ابوالصلاح، تقریب المعارف، ص ۱۵۲؛ نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، تلخیص‌المحصّل، ص ۴۵۵؛ فیض کاشانی، محمّد محسن، علم‌الیقین، ۳۵۰/۱.

۳. ابن تیمیه، أحمد، النبوات، ۱۸۴/۱؛ تویجری، محمد بن إبراهیم، موسوعة فقه القلوب، ۳۵۲۴/۴؛ أشقر، عمر، الرسل والرسالات، ص ۱۴؛ عقیفی، عبدالرزاق، مذكرة التوحيد، ص ۴۴؛ سقاف، علوی بن عبدالقادر، الموسوعة العقدية، ص ۴۴۷؛ عقل، ناصرین عبدالکریم، مجمل‌أصول أهل السنة، ۲۸/۴؛ غفیص، یوسف بن محمد علی، شرح الواسطية، ۳/۶.

### ۳-۱-۲- ویژگی‌های نبی

با توجه به این‌که در تعاریف فریقین، مسئله اختلاف برانگیزی یافت نشد، ریشه اختلاف‌ها را باید در ویژگی‌ها و خصوصیات انبیا از دیدگاه دو طرف بررسی کرد تا مشخص شود که مسئله زمینه‌ساز برای اتهام نبی‌انگاری وجود دارد یا خیر.

### الف- ویژگی‌های نبی از دیدگاه شیعه

هرچند در منابع شیعه ویژگی‌های فراوانی برای نبی بیان شده است، اما در این جا تنها ویژگی‌هایی که شیعه را در مظان نبی‌انگاری ائمه یا تبرئه از این تهمت قرار می‌دهند، بررسی می‌شوند. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

#### ۱- افضلیت انبیا

شیعه باور دارد نبی، باید افضل اهل زمان خویش باشد.<sup>۱</sup> هم‌چنین اجماع شیعه بر این است که انبیا، برتر از ملائکه هستند.<sup>۲</sup>

#### ۲- عصمت انبیا

از دیدگاه شیعه، انبیا عصمت مطلق دارند و گناه صغیره و کبیره انجام نمی‌دهند؛ نه پیش از بعثت و نه پس از آن.<sup>۳</sup>

#### ۳- علم انبیا

شیعه معتقد است علم غیب مختص خداوند است، اما انبیا به واسطه خداوند

۱. حلی، حسن بن یوسف، الباب الحادی عشر، ص ۳۸؛ کاشف الغطاء، محمد حسین، أصل الشیعه وأصولها، ص ۶۲؛ سیوری، فاضل مقداد، همان، ص ۲۸۰.

۲. حلی، حسن بن یوسف، أنوار الملکوت، ص ۱۸۸؛ مفید، محمد بن محمد، أوائل المقالات، ص ۵۰؛ علم الهدی، سید مرتضی، رسائل، ۱/۲۸۴؛ طوسی، محمد بن حسن، العقائد الجعفریة، ص ۲۴۸؛ نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، تجرید الاعتقاد، ص ۲۱۹.

۳. صدوق، محمد بن علی، الاعتقادات، ص ۹۶؛ طوسی، محمد بن حسن، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، ص ۱۴۸؛ حلی، حسن بن یوسف، أجوبة المسائل المهنائیة، ص ۷۳-۷۴؛ مفید، محمد بن محمد، همان، ص ۶۲.



از این علم برخوردارند.<sup>۱</sup> نیز انبیا دارای علم لدنی هستند که بدون یادگیری از سایر افراد بشر، مستقیماً آن را از خداوند دریافت می‌کنند.<sup>۲</sup> هم چنین شیعه به عصمت علمی انبیا معتقد است.<sup>۳</sup>

#### ۴- خاتم انبیا، وحی و تشریح

پیامبر اکرم ﷺ به اجماع امامیه، خاتم انبیا و آخرین دریافت‌کننده وحی است.<sup>۴</sup> هم چنین قریب به اتفاق شیعه، حق تشریح را مخصوص خدا می‌دانند.<sup>۵</sup> البته برخی از اندیشمندان امامیه، حق تشریح را برای پیامبر هم قائل اند و پیامبر را خاتم تشریح می‌دانند.<sup>۶</sup>

#### ۵- افضل انبیا

به اجماع شیعه، پیامبر اکرم ﷺ افضل از انبیا<sup>۷</sup> و افضل از ائمه عليهم السلام است.<sup>۸</sup>

#### ب- ویژگی‌های نبی از دیدگاه وهابیت

برخی ویژگی‌های نبی از نگاه علمای وهابی که متناظر با ویژگی‌های مطرح‌شده برای نبی از دیدگاه شیعه می‌باشد، چنین است:

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۵۶/۱؛ علم الهدی، سید مرتضی، همان، ۲۸۲/۱؛ طوسی، محمد بن حسن، التبیان، ۳۳۰/۹.
۲. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۵۶/۱؛ علم الهدی، سید مرتضی، همان، ۲۸۲/۱؛ طوسی، محمد بن حسن، همان، ۳۳۰/۹؛ جوادی آملی، عبدالله، همان، ۱۴۱/۸.
۳. رک: منابع مذکور ذیل عصمت انبیا؛ جوادی آملی، عبدالله، همان، ۱۷/۹.
۴. علم الهدی، سید رضی (گردآورنده)، نهج البلاغه، ص ۴۷۲؛ فیاض لاهیجی، عبدالرزاق، گوهر مراد، ص ۴۰۴.
۵. مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول، ۱۴۶/۳؛ علم الهدی، سید مرتضی، الذریعة، ص ۶۶۹؛ عاملی، حسن بن زین‌الدین، منتقى الجمال، ۴۳۹/۲.
۶. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۲۶۸/۱؛ بحرانی، یوسف، الحقائق الناضرة، ۳۵۷/۱۲.
۷. مفید، محمد بن محمد، المسائل العکبرية، ص ۳۴؛ صدوق، محمد بن علی، همان، ص ۹۳.
۸. فیض کاشانی، محمّد محسن، قرّة العیون، ص ۴۰۳؛ سیوری، فاضل مقداد، اللوامع الإلهية، ص ۳۴۳.

## ۱- افضلیت انبیا

به اعتقاد وهابیان، انبیا برترین مردم هستند،<sup>۱</sup> اما در این که افضل مخلوقات باشند، اختلاف نظر دارند. برخی ایشان را افضل مخلوقات نمی دانند<sup>۲</sup> و برخی دیگر، آنها را افضل مخلوقات می دانند.<sup>۳</sup> ابن تیمیه نیز تفصیل قائل شده و می گوید، در این دنیا بعید نیست ملائکه افضل باشند اما در قیامت، انبیا افضل اند.<sup>۴</sup>

## ۲- افضلیت پیامبر اکرم ﷺ

به اعتقاد وهابیت، حضرت محمد ﷺ افضل انبیا است.<sup>۵</sup>

## ۳. عصمت انبیا

وهابیان می گویند، عصمت انبیا، عصمت مطلق نیست،<sup>۶</sup> اما همان عصمت محدود نیز، مخصوص انبیا است نه غیرانبیا،<sup>۷</sup> و پس از نبی خاتم، هیچ معصومی نیست.<sup>۸</sup> وهابیت همانند بیشتر اهل سنت، عصمت را تنها در تبلیغ لازم می دانند.<sup>۹</sup> لذا می گویند ممکن است انبیا و رسولان، پیش از نبوت کافر باشند<sup>۱۰</sup> یا قبل از بعثت، گناه صغیره و کبیره داشته باشند.<sup>۱۱</sup> آنها معتقدند، پس از بعثت هم انبیا فقط گناه

۱. فوزان، صالح بن فوزان، التعليقات المختصرة على متن العقيدة الطحاوية، ص ۲۴۱؛ براك، عبدالرحمن بن ناصر، شرح العقيدة الطحاوية، ص ۳۹۰؛ ابن عبدالوهاب، محمد، رسالة في الرد على الرافضة، ص ۲۹.

۲. البانی، محمد، التوسل انواعه واحكامه، ص ۱۴۹.

۳. راجحی، عبدالعزيز بن عبدالله، شرح العقيدة الطحاوية، ۱/۸۱.

۴. همان.

۵. ابن عبدالوهاب، محمد، الرسائل الشخصية، ص ۵۳.

۶. سلیم، عمرو عبدالمنعم، فتاوي الألباني في المدينة و الامارات، ص ۱۸.

۷. ابن عبدالوهاب، محمد، رسالة في الرد على الرافضة، ص ۲۸.

۸. ابن أبي العز، محمد، شرح العقيدة الطحاوية، ص ۳۴.

۹. مطرفی، عوید بن عیاد، آیات عتاب المصطفی، ص ۵۲؛ عاصمی، محمد بن عبدالرحمن، آل رسول الله وأولیائه، ص ۳۴.

۱۰. آل الشیخ، صالح بن عبدالعزیز، شرح العقيدة الطحاوية، ۱۸/۶.

۱۱. مطرفی، عوید بن عیاد، همان، ص ۴۰.

کبیره انجام نمی دهند،<sup>۱</sup> اما مرتکب گناهان و معاصی صغیره می شوند؛<sup>۲</sup> البته مشروط به این که گناهان صغیره، تأثیر منفی در راست گویی و رسالت، نداشته باشند.<sup>۳</sup>

#### ۴- علم انبیا

وهابیان معتقدند انبیا علم غیب ندارند<sup>۴</sup> و مانند سایر مردم، ورای حجاب، هیچ چیزی را نمی بینند، مگر این که وحی، آنها را از ورای حجاب مطلع کند.<sup>۵</sup> از نگاه وهابیت خطای علمی پیامبر پذیرفته شده است. از این رو می گویند، گاه اجتهاد رسول خدا ﷺ بر خطا می رفت و وحی بر او نازل می شد تا آن را تصحیح کند،<sup>۶</sup> یا بخشی از آیات قرآن را که به مردم ابلاغ کرده بود، فراموش می کرد،<sup>۷</sup> یا در برخی موارد، قول و فعل پیامبر تعارض داشت. آنان بر همین اساس می گویند، هنگام تعارض بین قول و فعل رسول خدا ﷺ، قولش را بر فعلش مقدم می داریم.<sup>۸</sup>

#### ۵- خاتم انبیا، وحی و تشریح

وهابیان اجماع دارند که پیامبر اکرم ﷺ خاتم النبیین است و بعد از پیامبر وحیی نیست.<sup>۹</sup> آنها می گویند سخنان پیامبر ﷺ تشریح و پیامبر مشرّع است،<sup>۱۰</sup> اما بعد از پیامبر، هیچ تشریحی نیست.<sup>۱۱</sup>

۱. آل الشیخ، صالح بن عبدالعزیز، همان، ۱۸/۶.

۲. البانی، محمد، الفتاوی الکویتیه، ص ۲۹ و ۳۱.

۳. آل الشیخ، صالح بن عبدالعزیز، همان.

۴. ابن بادیس صنهاجی، عبدالحمید محمد، العُقائدُ الإسلامیة، ص ۸۸؛ ابن عبدالوهاب، محمد، أصول الإیمان، ص ۳۷.

۵. دویش، أحمد بن عبدالرزاق، فتاوی اللجنة الدائمة، ۴۴۷/۱.

۶. ابویوسف، محمد بن ابراهیم، الحاوی من فتاوی الألبانی، ۳۶/۲.

۷. البانی، محمد، همان، ص ۳۰ - ۳۱.

۸. سلیم، عبدالمنعم، همان، ص ۳۹.

۹. قفاری، ناصر بن عبدالله، أصول مذهب الشیعة الإمامیة الإثنی عشریة - عرض و نقد، ۸۸۲/۲؛ آل الشیخ، صالح بن عبدالعزیز، همان، ۹۲/۱.

۱۰. غامدی، سعید بن ناصر، حقیقة البدعة وأحكامها، ص ۲۴۸.

۱۱. قفاری، ناصر بن عبدالله، مسألة التقرب بين أهل السنة والشیعة، ۱۰۹/۱؛ مطرفی، عوید

با توجه به اختلاف زیادی که در ویژگی‌های نبی، بین وهابیت و شیعه دیده شد، این اختلاف می‌تواند یکی از عوامل اتهام نبی‌انگاری ائمه به شیعه باشد. البته برای اظهار نظر قطعی، لازم است ماهیت و ویژگی‌های امام هم ذکر شود. اگر در بررسی ماهیت و ویژگی‌های امام، تشابهی بین ویژگی‌های نبی در وهابیت با ویژگی‌های امام در شیعه یافت شود، آن وقت می‌توان گفت، قطعاً این ویژگی‌ها یکی دیگر از عوامل این اتهام به شیعه است.

### ۳-۲- امام

در مورد امام نیز دو مطلب باید از دیدگاه فریقین بررسی شود؛ یکی تعریف امام و دیگری ویژگی‌های امام.

### ۳-۲-۱- تعریف امام

تعریف مشهور شیعه از امام، تعریفی است که سید مرتضی ارائه کرده و اکثر علما نیز آن را پذیرفته‌اند:

الامامة رئاسة عامة في الدين بالاصالة لا بالنياحة عمن هوفي دار  
التكليف؛<sup>۱</sup> امامت ریاستی عام در دین است؛ البته ریاستی اصیل،  
نه نیابت از مکلفین.

پس از کندوکاو بسیار در کتب وهابیت، تعریف خاصی که متمایز از تعاریف اهل سنت باشد، به دست نیامد. گویا فرقه وهابیت، اصراری بر ارائه تعریفی جدید ندارند. تعریف شایع میان اهل سنت و منقول از وهابیان چنین است:

الإمامة موضوعة لخلافة النبوة في حراسة الدين و سياسة الدنيا به؛

---

بن عیاد، آیات عتاب المصطفی، ص ۲۷۹؛ فوزان، صالح بن فوزان، الإرشاد إلى صحیح الاعتقاد، ص ۲۱۰.

۱. علم الهدی، سید مرتضی، رسائل، ۲/۲۶۴؛ نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، قواعد العقائد، ص ۱۰۸؛ حلی، حسن بن یوسف، الباب الحادی عشر، ص ۱۷۱؛ شوشتری، نورالله، إحقاق الحق، ۲/۳۰۰.

امامت قرار داده شده است برای جانشینی پیامبر در حفظ دین و تدبیر امور دنیوی.<sup>۱</sup>

از تعاریف فریقین، نکته خاصی که باعث تهمت نبی‌انگاری امام شود به دست نمی‌آید. از این رو لازم است اختلاف در شرایط و ویژگی‌های امام نیز مورد بررسی قرار گیرد.

### ۳-۲-۲- شرایط و ویژگی‌های امام

با این‌که در تعاریف امام، مسئله خاصی برای قرارداد شیعیه در مظان تهمت نبی‌انگاری وجود نداشت، اما با توجه به ویژگی‌هایی که شیعیه برای پیشوایانش باورمند است، انتظار می‌رود منشأ این تهمت در شرایط و ویژگی‌های امام از دیدگاه دو طرف باشد. از این رو در ادامه، ویژگی‌های امام یا خلیفه از دیدگاه فریقین بررسی می‌شود.

#### الف- شرایط امام از دیدگاه شیعیه

از دیدگاه شیعیه، امام شرایطی خاص دارد که در غیر از دوازده امام علیهم‌السلام محقق نیست. آن شرایط عبارت‌اند از:

۱- امام توسط خداوند منصوب می‌شود.<sup>۲</sup>

۲- امام همچون پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، دارای عصمت است.<sup>۳</sup>

۳- امام برتر از انبیا، غیر از نبی خاتم است.<sup>۴</sup>

۴- امام برتر از ملائکه است.<sup>۵</sup>

۱. دمبجی، عبدالله بن عمر، الإمامة العظمی عند أهل السنة والجماعة، ص ۲۸؛ سقاف، علوی بن عبدالقادر، الموسوعة العقدیة، ۲۶/۸.

۲. سیوری، فاضل مقداد، إرشاد الطالبین، ص ۳۲۷؛ حلی، حسن بن یوسف، الألفین، ص ۲۱.

۳. مفید، محمد بن محمد، النکت الإعتقادیة، ص ۳۷؛ علم الهدی، سید مرتضی، همان، ۲۷۷/۲؛ حلی، حسن بن یوسف، الباب الحادی عشر، ص ۸۹.

۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ۲۶/۲۶۸-۲۷۰؛ مفید، محمد بن محمد، أوائل المقالات، ص ۷۰.

۵. همان، ص ۷۱؛ حلی، حسن بن یوسف، مناهج الیقین، ص ۴۸۳.

- ۵ - امام علم نامحدود دارد که منشأ آن، وراثت از انبیا و نبی خاتم، الهام و تحدیث، علم غیب و کتب و مصاحفی خاص مانند مصحف امیرالمؤمنین علیه السلام، مصحف فاطمه زهرا علیها السلام، کتاب جامعه و کتاب جفر می باشد.<sup>۱</sup>
- ۶ - برخی علمای شیعه برای امام حق تشریح قائل شده اند.<sup>۲</sup>

### ب- شرایط امام از دیدگاه وهابیت

شرایطی که وهابیت برای امام ذکر کرده اند، بیشتر به تبع اهل سنت است و در کل می توان گفت، شرایط یک شخص عادی است که می خواهد حاکم یک جامعه شود، نه یک منصب الهی. این شرایط عبارت اند از:

- ۱- اسلام؛ ۲- تکلیف یا بلوغ؛ ۳- مرد بودن؛ ۴- آزادی (برده نبودن)؛ ۵- عدالت؛ ۶- علم؛ ۷- صاحب نظر بودن؛ ۸- سلامت حواس؛ ۹- سلامت جسمی؛ ۱۰- شجاعت؛ ۱۱- قرشیت؛ ۱۲- منصوب بودن با اجماع مسلمین یا تعیین خلیفه قبلی یا شورای چند نفره، یا تسلط بر مردم با قدرت.<sup>۳</sup>

مقایسه میان نبی از دیدگاه وهابیت و امام از دیدگاه شیعه نشان می دهد، امام در درجه بسیار بالاتری از نبی در اندیشه وهابیت است. وهابیان نبی را نه معصوم به صورت مطلق می دانند، نه دارای علم غیب، نه برتر از همه مخلوقات و نه...؛ اما شیعه تمام این اوصاف را برای ائمه قائل است. از طرفی شیعه تحدیث و الهام و حق تشریح را برای ائمه قائل است، در حالی که وهابیت آن را مختص نبی می داند. با این بیان می توان گفت، شرایط امام از دیدگاه شیعه، می تواند دستاویز مهمی برای وهابیت در انتساب انگاره نبی انگاری پیشوایان به شیعه باشد.

۱. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین، ص ۹۹؛ کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱/۲۳۱-۲۳۸.

۲. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ص ۵۰۰-۵۰۷؛ کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/۲۶۸؛ بحرانی، یوسف، الحدائق الناضرة، ۱۲/۳۵۷.

۳. عثیمین، محمد بن صالح، مجموع فتاوی، ۵/۳۰۰؛ سقاف، علوی بن عبدالقادر، همان، ۸/۴۰.

آن چه اکنون بررسی آن لازم است، گونه‌ی مواجهه‌ی امامیه و پیشوایان آن، با این نگاه است.

#### ۴- روش‌شناسی وهابیت در القای شبهه‌ی نبی‌انگاری امام نزد شیعه و نقد آن

در سیراتی که با جستجو در منابع وهابی به انجام رسید، مشخص شد، وهابیان از شیوه‌های متعددی برای القا و تثبیت این شبهه استفاده می‌کنند. این روش‌ها در ادامه بیان خواهند شد. با شناخت روش شبهه‌سازی، نحوه‌ی پاسخگویی نیز مشخص خواهد شد. بنابراین در ادامه، به بررسی روش وهابیت در القا و تثبیت این شبهه، و نقد آن پرداخته می‌شود.

##### ۴-۱- احیای شبهات منسوخ

در جستجویی که در منابع وهابیت انجام شد- که در ادامه برخی از آنها خواهد آمد - مشخص شد، یکی از روش‌های وهابیت در شبهه‌سازی، احیای شبهات منسوخ است. در واقع شبهاتی که چند قرن پیش مطرح بوده‌اند و بارها پاسخ مستدل آنها بیان شده است، اکنون بدون ذکر پاسخشان، در منابع وهابی تکرار می‌شوند. این امر یا نوعی تبعیت کورکورانه از شبهه‌افکنان سابق است که این اتهام به شیعه را در کتب خود آورده‌اند، یا نوعی غرض‌ورزی است. بنابراین اولین مرحله در مواجهه با شبهات وهابیت، بررسی جدید یا قدیمی بودن شبهه است؛ چون شبهات قدیمی عموماً توسط علمای شیعه پاسخ داده شده‌اند و نیاز به کار جدید ندارند. مسئله‌ی نبی‌انگاری امام یکی از قدیمی‌ترین شبهاتی است که علیه شیعه مطرح شده‌اند. همان‌طور که ذکر شد، قدمت این شبهه به زمان قیام مختار و حیات ائمه برمی‌گردد و شبهه‌ی جدیدی نیست. به تبع، انواع پاسخ‌ها به آن نیز از زمان ائمه و سپس علمای اوایل عصر غیبت تا کنون مطرح شده است.

همان‌طور که ذیل عنوان «ائمه و امامیه در تقابل با نبی‌انگاری» ذکر شد:

اولاً: احادیث متعددی از ائمه صادر شده است که نشان می‌دهد، ایشان با نبی‌انگاری خودشان شدیداً برخورد کرده‌اند.

ثانیاً: چنان‌که گذشت، تعداد زیادی از علمای شیعه به رد این اعتقاد باطل پرداخته‌اند.

با وجود این، بسیار بعید است که یک عالم و محقق وهابی، احادیث، کتاب‌ها و نقدهای شیعه امامیه علیه نبی‌انگاری را ندیده باشد. شاید همین امر باعث شده که نحوهٔ تهمت نبی‌انگاری ائمه، در بسیاری از آثار وهابیت، قدری تغییر کرده و از استناد مستقیم این دیدگاه به شیعه، به استناد غیرمستقیم تبدیل شده است؛ به این‌گونه که پیش‌تر، مخالفان شیعه مستقیم می‌گفتند شیعه قائل به نبوت ائمه است،<sup>۱</sup> اما در دهه‌ها و سال‌های اخیر می‌گویند، شیعه صفاتی برای ائمه قائل است که لازمه‌اش نبوت ائمه است.<sup>۲</sup>

بنا بر تغییر در نوع انتساب، نیاز به پاسخ‌های متناسب با آن هم چنان باقی است.

#### ۴-۲- شبهه‌سازی مبنایی

جستجو در منابع وهابیت نشان می‌دهد، عمده‌ترین روش وهابیت در ایجاد شبهه، شبهه‌سازی مبنایی است. بنابراین دومین مرحله در پاسخ به شبهات وهابیت، بررسی مبنای شبهه است. یعنی باید دید که این شبهه، بر اصول و مبنای وهابیت استوار است یا مبنای شیعه.

در بررسی منابعی از وهابیت که در آنها تهمت نبی‌انگاری بود، مشاهده شد که بسیاری از منابع، این اتهام را با توجه به مبنای وهابیت به شیعه نسبت داده‌اند؛ در حالی که بنا بر مبنای شیعه، چنین اتهامی متوجه شیعه نخواهد شد. برخی از استدلال‌های آنها که بر مبنای وهابیت است و ما قالب علمی و منطقی به آن داده‌ایم چنین است:

۱- ائمه از نظر شیعه، معصوم هستند. هر معصومی نبی است. پس ائمه از نظر شیعه نبی هستند.<sup>۳</sup>

۱. دهلوی، شاه‌ولی‌الله، تحفه اثنی عشریه، ص ۳۵۳.

۲. رحیلی، إبراهیم بن عامر، الانتصار للصحب و الآل، ص ۵۴-۵۶؛ أشقر، عمر، دروس الشيخ عمر الأشقر، ۱۳/۳؛ قفاری، ناصر بن عبدالله، أصول مذهب الشيعة الإمامية الإثنية عشرية - عرض و نقد، ۸۷۱/۲؛ خضر، محمد سالم، ثم أبصرت الحقيقة، ص ۱۵۸؛ سقاف، علوی بن عبدالقادر، الموسوعة العقدية، ۱۴۰/۶.

۳. رک: ابن عبدالوهاب، محمد، رسالة في الرد على الرافضة، ص ۲۸؛ ابن‌ابی‌العز، محمد، شرح



این استدلال بر مبنای وهابیت استوار است. همان طور که ذکر شد، آنها قائل اند، بعد از نبی خاتم، هیچ کس معصوم نیست و عصمت، مختص انبیا است. اما علمای شیعه در عین باور به عصمت ائمه، ختم نبوت را نیز اثبات می کنند و هیچ تعارضی بین ختم نبوت و عصمت ائمه قائل نیستند.<sup>۱</sup>

۲- از نظر شیعه، ائمه سخن فرشته را می شنوند. هر کس سخن فرشته را می شنود، نبی است. پس ائمه از نظر شیعه نبی هستند.<sup>۲</sup>

این هم یک اشکال مبنایی است. بر اساس مبنای وهابیت، شنیدن سخن فرشته مختص نبی است، اما مطابق مبنای شیعه، که مبنایی قرآنی است، افرادی غیر از انبیا، همانند حضرت مریم و ائمه علیهم السلام، با آن که نبی نیستند، سخن فرشته را می شنوند.

چنین استدلال هایی برای اثبات نبی انگاری ائمه توسط شیعه، که ناشی از مبنای غلط وهابیت است، در موارد دیگری هم مشاهده می شود؛ مواردی همچون: اعتقاد شیعه به افضلیت ائمه بر انبیا،<sup>۳</sup> امامت به عنوان استمرار نبوت،<sup>۴</sup> مصحف فاطمه و مصحف علی علیه السلام،<sup>۵</sup> حق تشریح ائمه<sup>۶</sup> و تخصیص قرآن به خبر.<sup>۷</sup>

اصل اولی در نقد شبهات مبنایی، نقد مبنایی است که شبهه بر پایه آن قرار گرفته

العقيدة الطحاوية، ص ۳۴؛ سقاف، علوی بن عبدالقادر، همان؛ حوالی، سفر بن عبدالرحمن، شرح العقيدة الطحاوية، ص ۱۶۹۹.

۱. ر.ک: بخش «شرایط و ویژگی های امام» از نوشتار حاضر.

۲. الهی ظهیر پاکستانی، إحسان، الشیعة والسنة، ص ۷۳؛ قفاری، ناصر بن عبدالله، همان، ۸۸۲/۲؛ آل الشیخ، صالح بن عبدالعزیز، شرح العقيدة الطحاوية، ۹۲/۱؛ رحیلی، ابراهیم بن عامر، همان.

۳. خضر، محمد سالم، همان؛ طحاوی، أبوجعفر، تخريج العقيدة الطحاوية، ص ۸۳؛ فوزان، صالح بن فوزان، التعليقات المختصرة على متن العقيدة الطحاوية، ص ۲۴۱.

۴. سقاف، علوی بن عبدالقادر، همان.

۵. قفاری، ناصر بن عبدالله، مسألة التقريب بين أهل السنة والشيعة، ۵۸/۲.

۶. همو، أصول مذهب الشيعة الإمامية الإثني عشرية - عرض و نقد، ۱۴۷/۱.

۷. همان.

است. لذا قبل از پاسخ دادن به شبهه، باید مبنای آن را از بین ببریم که در این صورت، شبهه خودبه خود از بین خواهد رفت و نیازی به پاسخ نخواهد داشت. البته شبهات مبنایی ارزش و اعتبار علمی نیز ندارند؛ چون از یک سو مبتنی بر مبنایی است که طرف مقابل آن را باطل می‌داند و از سوی دیگر، شرایط انتاج منطقی را ندارد. در واقع مشکل اصلی در شبهات مبنایی، عدم رعایت شرایط انتاج قیاس است. یکی از شروط اخذ نتیجه در قیاس، تکرار حد وسط است، بدون هیچ کم‌وکاست و با تمام قیود و صفات. اما در تمام این استدلال‌ها، حد وسط به طور کامل تکرار نشده است؛ به عنوان مثال به این استدلال توجه کنید:

ائمه از نظر شیعه معصوم هستند. هر معصومی نبی است. پس ائمه از نظر شیعه نبی هستند.

در این قیاس و تمامی قیاس‌های مشابه، حد وسط تکرار نشده است. اصل قیاس چنین است:

ائمه از نظر شیعه معصوم هستند: [«ائمه» حد اصغر] + [«از نظر شیعه معصوم هستند» حد وسط] = صغری

از نظر شیعه هر معصومی نبی است: [«از نظر شیعه هر معصومی» حد وسط] + [«نبی است» حد اکبر] = کبری

این مقدمه با تکرار کامل حد وسط، کذب است؛ چون شیعه هر معصومی را نبی نمی‌داند. در حالی که شرط حصول نتیجه، صدق مقدمات است. لذا چنین قیاس‌هایی نتیجه صادق نخواهند داشت.

#### ۴-۳- شبهه‌سازی مغالطی

در مرتبه‌ای پایین‌تر از استدلال‌های مبنایی، دلایل مغالطی وهابیان قرار دارد. با رجوع به منابع وهابیت مشخص شد وهابیان در انتساب نبی‌انگاری به شیعه، از چندین نوع مغالطه استفاده کرده‌اند که برخی از آنها در ادامه می‌آید:

## الف- مغالطه ترکیب مفصل (سرایت دادن حکم جزء به کل)

همان‌گونه که اشاره شد، برخی از غلات منسوب به شیعه، قائل به نبوت حضرت علی یا سایر ائمه علیهم‌السلام بوده‌اند. وهابیان در نقل این مطلب، با حذف باورمندان به این سخن، آن را دیدگاه شیعه معرفی می‌کنند. قفاری می‌گوید:

در بیان دروغ‌گویی روافض همین بس که... اکثر آنها علی بن ابی طالب را خدای خالق و برخی نبی ناطق... می‌دانند.<sup>۱</sup>

این در حالی است که باورمندان به الوهیت علی (که از آنها به «علی‌اللهی» یاد می‌شود) بسیار اندک‌اند و قائلین به نبوت ایشان نیز همین‌طور. اما قفاری عقاید این مجموعه کوچک را به کل شیعه نسبت می‌دهد و این همان مغالطه ترکیب مفصل است.

## ب- مغالطه نقل قول ناقص

به عنوان مثال، در روایات شیعه آمده است: «أَنَّكَ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ وَتَرَى مَا أَرَى إِلَّا أَنَّكَ لَسْتَ بِنَبِيِّ». <sup>۲</sup> در این روایت شیعی و امثال آن، در کنار قول به شنیدن صدای فرشته و دیدن آن، تأکید بر غیر نبی بودن نیز آمده است. اما وهابیان با سانسور و نادیده‌انگاشتن بخش دوم، برای این اندیشه‌اند که شیعه، قائل به وحی برای پیشوایان خود است و آنها را نبی می‌داند. احسان الهی ظهیر، ضمن اشاره به بخش اول چنین روایاتی می‌گوید:

این عقاید شیعه اثناعشری در مورد ائمه‌شان است که جبرئیل پیش آنها می‌آید و وحی بر آنها نازل می‌شود... و نبوت قطع نشده و نبوت به محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خاتمه نیافته.<sup>۳</sup>

این همان مغالطه نقل قول ناقص است.

## ج- مغالطه عام و خاص

ممکن است دو چیز با هم رابطه عام و خاص داشته باشند و شخص، با مساوی

۱. همان، ۳۰۲/۱.

۲. علم‌الهدی، سید رضی (گردآورنده)، نهج البلاغه، ص ۳۰۰.

۳. الهی ظهیر پاکستانی، احسان، التَّصَوُّفُ، المنشأ والمصادر، ص ۱۶۲.

پنداشتن آنها، به صورت یکسان، هریک را برای دیگری اثبات نماید؛<sup>۱</sup> مثلاً شیعه بسیاری از صفات انبیا، همچون عصمت و علم غیب را برای ائمه نیز ثابت می‌کند. این مسئله زمینه چنین مغالطه‌ای را برای وهابیت فراهم کرده است که می‌گویند: شیعه می‌گوید امام مساوی انبیا است. پس ائمه نبی هستند.

ریشه شبهه این است که شیعه می‌گوید، برخی صفات امام و نبی یکسان‌اند؛ اما این به معنای یکسانی در تمامی صفات یا قرارگرفتن هر دو ذیل عنوان نبی نمی‌باشد؛<sup>۲</sup> مثلاً صفت تحمل وحی نبوت را شیعه مختص نبی می‌داند نه امام. پس بین نبی و امام در صفات، عام و خاص من وجه است نه تساوی؛ یعنی:

• برخی از صفات مشترک است؛ مثل عصمت؛

• برخی از صفات مختص نبی است؛ مثل تحمل وحی؛

• برخی صفات مختص امام است، نه همه انبیا؛ مثل تبلیغ.

محمد سالم الخضر از این مغالطه برای متهم کردن شیعه به نبی‌انگاری ائمه استفاده کرده و می‌نویسد:

[امام] خمینی در کتابش، حکومت اسلامی می‌گوید: «[از ضروریات مذهب ما این است که ائمه ما مقامی دارند که هیچ ملک مقرب و نبی مرسل‌ی به آن نمی‌رسد]». و در جایی که تساوی بین امام و نبی فی نفسه برای رد عقیده ختم نبوت کافی است، ادعای برتر بودن از مقام نبوت چگونه خواهد بود؟<sup>۳</sup>

الخضر در این سخن، نسبت عموم و خصوص صفات نبی و امام از نظر شیعه را تساوی فرض کرده، سپس از تساوی صفات نبی و امام، نبی‌انگاری امام را به شیعه نسبت می‌دهد.

این کلام الخضر ممکن است مصداق مغالطات دیگری هم باشد، اما در این جا

۱. نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، اساس الاقتباس، ص ۵۲۳.

۲. رک: بخش «شرایط و ویژگی‌های امام» در این مقاله.

۳. خضر، محمد سالم، ثم أبصرت الحقیقة، ص ۱۵۸.

منظور ما قسمتی از سخن او است که مصداق مغالطه عام و خاص است، نه جنبه‌های دیگر سخن وی.

مغالطات وهابیت در این امر بیش از این موارد است، اما ما به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

#### ۴-۴- شبهه‌سازی تبلیغی

گویا بی‌اساس بودن اتهام نبی‌انگاری ائمه برای علمای وهابی ثابت شده است، اما برای حذف شیعه، چاره‌ای جز تمسک به شبهات بی‌اساس ندارند. دلیل مدعا این است که گروه‌های وهابی مصر، در جدیدترین اقدام ضدشیعی، گردن‌بندهایی را توزیع کرده‌اند که در آنها عبارت «لا فتی الا علی و لا سیف الا ذوالفقار» به «لا نبی الا علی» تغییر پیدا کرده تا چنین وانمود کنند که شیعیان، امام علی علیه السلام را نبی می‌دانند. طبق گزارش خبرگزاری «برائنا» در مصر، وهابیان گردن‌بندهای چینی که عبارت «لا نبی الا علی» بر روی آن نوشته شده است را در این کشور توزیع می‌کنند. بر همین اساس، عبارت «لا نبی الا علی» بر صدها مدال و نشان افتخار ساخت چین درج شده است.<sup>۱</sup>

#### نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مطرح شده در این نوشته، می‌توان گفت، مهم‌تر از پاسخ مستقیم به شبهات وهابیت، روش‌شناسی شبهه‌سازی آنها است. با شناخت روش آنها در نقد شیعه، روش کلی پاسخ به شبهات آنها نیز مشخص می‌شود. به این ترتیب می‌توان یک دستگاه روش‌شناسی برای شبهات وهابیت و نقد آن تعریف کرد و هنگام برخورد با یک شبهه، ضمن مشخص کردن جایگاه آن در این ساختار، نقد آن را نیز از دستگاه دریافت کرد. ما نمونه کوچکی از این دستگاه را برای پاسخ به شبهه «اتهام نبی‌انگاری امام»، در این مقاله استفاده کردیم.

۱. خبرگزاری باشگاه خبرنگاران، «وهابیون گردن‌بندهای منقش به عبارت "لا نبی الا علی" را در مصر توزیع کردند»، <http://www.yjc.ir/fa/news/4434657>، ۱۲ تیر ۱۳۹۸.

کتابها

- نهج البلاغة (سخنان امیر مؤمنان علیه السلام)، گردآوری سید رضی، دارالهجرة، قم، ۱۴۱۲ ق.
- آل الشيخ، صالح بن عبدالعزيز، شرح العقيدة الطحاوية، ۲۰۱۰ م.
- ابن أبي العزحنفی، صدرالدين محمد بن علاء الدين، شرح العقيدة الطحاوية، دارالسلام للطباعة والنشر والتوزيع والترجمة (عن مطبوعة المكتب الإسلامي)، مصر، ۱۴۲۶ ق.
- ابن باديس صنهاجي، عبد الحميد محمد، العَقَائِدُ الْإِسْلَامِيَّةُ مِنَ الْآيَاتِ الْقُرْآنِيَّةِ وَالْأَحَادِيثِ النَّبَوِيَّةِ، مكتبة الشركة الجزائرية مرازقة بوداود وشركاؤهما، الجزائر.
- ابن تيمية، أحمد بن عبد الحليم، النبوات، أضواء السلف، رياض، ۱۴۲۰ ق.
- ابن عبد الوهاب، محمد، أصول الإيمان، المملكة العربية السعودية، وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد، ۱۴۲۰ ق.
- الرسائل الشخصية (مطبوع ضمن مؤلفات الشيخ محمد بن عبد الوهاب، الجزء السادس)، جامعة الإمام محمد بن سعود، رياض.
- رسالة في الرد على الرافضة (مطبوع ضمن مؤلفات الشيخ محمد بن عبد الوهاب، الجزء الثاني عشر)، جامعة الإمام محمد بن سعود، رياض.
- ابن ميثم بحراني، كمال الدين، قواعد المرام في علم الكلام، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، قم، ۱۴۰۶ ق.
- ابويوسف، محمد بن ابراهيم، الحاوي من فتاوي الألباني، مكتبة العلمية للتراث، ۲۰۰۱ م.
- أشقر، عمر، الرسل والرسالات، مكتبة الفلاح للنشر والتوزيع، دار النفائس للنشر والتوزيع، الكويت، ۱۴۱۰ ق.
- دروس الشيخ عمر الأشقر، دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية.
- الباني، محمد ناصر الدين، التوسل انواعه و احكامه، مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، رياض، ۱۴۲۱ ق.
- الفتاوي الكويتية، دار الضياء، مصر، ۲۰۰۷ م.
- إلهي ظهير پاكستاني، إحسان، التَّصَوُّفُ، المنشأ والمصادر، إدارة ترجمان السنة، پاكستان، ۱۴۰۶ ق.
- الشيعة والسنة، إدارة ترجمان السنة، پاكستان، ۱۳۹۶ ق.
- بحراني، يوسف بن احمد بن ابراهيم، الحدائق الناضرة في احكام العترة الطاهرة، جامعة مدرسين، قم، ۱۴۰۵ ق.

- براك، عبدالرحمن بن ناصر، شرح العقيدة الطحاوية، دار التدمرية، ١٤٢٩ ق.
- تويجى، محمد بن إبراهيم، موسوعة فقه القلوب، بيت الأفكار الدولية، اردن، ٢٠٠٦ م.
- جوادى آملى، عبدالله، تفسير موضوعى قرآن، اسرا، قم، ١٣٨٥ ش.
- حلبى، ابوالصلاح، تقريب المعارف، الهادي، قم، ١٤٠٤ ق.
- حلى، حسن بن يوسف، أجوبة المسائل المهنية، خيام، قم، ١٤٠١ ق.
- ، الألفين، هجرت، قم، ١٤٠٩ ق.
- ، الباب الحادي عشر، مع شرحه: النافع يوم الحشر في شرح باب الحادي عشر، مقداد بن عبد الله السيوري، مفتاح الباب، ابوالفتح بن مخدوم الحسيني، مؤسسه مطالعات اسلامى، تهران، ١٣٦٥ ش.
- ، أنوار الملكوت في شرح الياقوت، الشريف الرضي، قم، ١٣٦٣ ش.
- ، مناهج اليقين في أصول الدين، دار الاسوة، تهران، ١٤١٥ ق.
- ، نهج المسترشدين في أصول الدين، المختار من التراث، قم.
- حميرى، ابوسعيد نشوان بن سعيد بن نشوان، الحور العين عن كتب العلم الشرائف دون النساء العفائف، مكتبة المثنى و مصر، بغداد.
- حوالى، سفر بن عبدالرحمن، شرح العقيدة الطحاوية، دار الصفوة، قاهره، ١٤٣٤ ق.
- خضر، محمد سالم، ثم أبصرت الحقيقة، شبكة أنصار أهل البيت.
- دميجى، عبدالله بن عمر، الإمامة العظمى عند أهل السنة والجماعة، دار طيبة، رياض، ١٤٠٨ ق.
- دويش، أحمد بن عبدالرزاق، فتاوى اللجنة الدائمة - المجموعة الأولى، رئاسة إدارة البحوث العلمية والإفتاء، الإدارة العامة للطبع، رياض.
- دهلوى، شاهولى الله، تحفة اثنى عشرية، مكتبة الحقيقة، استانبول، ١٤١٥ ق.
- راجحى، عبدالعزيز بن عبدالله، شرح العقيدة الطحاوية، دار التوحيد، رياض، ٢٠٠٩ م.
- رحيلى، إبراهيم بن عامر، الانتصار للصحب والآل من افتراءات السماوي الضال، مكتبة العلوم والحكم، مدينه، ١٤٢٣ ق.
- سيورى، فاضل مقداد، إرشاد الطالبين إلى نهج المسترشدين، كتابخانه آيت الله مرعشى، قم، ١٤٠٥ ق.
- ، اللوامع الإلهية في المباحث الكلامية، دفتر تبليغات اسلامى، قم، ١٤٢٢ ق.
- شوشترى، سيد نورالله، إحقاق الحق وإزهاق الباطل، مكتبة آية الله المرعشى النجفي، قم، ١٤٠٩ ق.

- صدوق، محمد بن علي، الاعتقادات، المؤتمر العالمي للشيخ المفيد، قم، ١٤١٤ ق.
- كمال الدين وتمام النعمة، مؤسسة نشر اسلامي، قم، ١٣٦٣ ش.
- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، قم، ١٤٠٤ ق.
- طحاوي، أبو جعفر، تخريج العقيدة الطحاوية، بيروت، المكتب الإسلامي، ١٤١٤ ق.
- طوسی، خواجه نصيرالدين، اساس الاقتباس، دانشگاه تهران، تهران، ١٣٢٦ ش.
- تجريد الاعتقاد، دفتر تبليغات اسلامي، قم، ١٤٠٧ ق.
- تلخيص المحصل، دار الأضواء للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، ١٤٠٥ ق.
- قواعد العقائد، دار الغربية، لبنان، ١٤١٣ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، اختيار معرفة الرجال (رجال كشي)، مؤسسة آل البيت للإسلام، قم، ١٤٠٤ ق.
- الاقتصاد الهادي الى طريق الرشاد، خيام، قم، ١٤٠٠ ق.
- الاقتصاد فيما يتعلق بالاعتقاد، دار الأضواء للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، ١٤٠٦ ق.
- التبيان في تفسير القرآن، دار احياء التراث العربي، بيروت.
- العقائد الجعفرية، مكتبة النشر الاسلامي، قم، ١٤١١ ق.
- عاصمی حنبلی، محمد بن عبدالرحمن، آل رسول الله وأولياؤه.
- عاملی، حسن بن زين الدين، منتقى الجمان في الاحاديث الصحاح والحسان، مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، قم، ١٣٦٢ ش.
- عبد المنعم سليم، عمرو، فتاوي الألباني في المدينة والامارات، دار الضياء، مصر.
- عثيمين، محمد بن صالح بن محمد، مجموع فتاوي ورسائل فضيلة الشيخ محمد بن صالح العثيمين، دار الوطن - دار الثريا، ١٤١٣ ق.
- عفيفي، عبدالرزاق، مذكرة التوحيد، المملكة العربية السعودية، وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد، ١٤٢٠ ق.
- علم الهدى، سيد مرتضى، الحدود والحقائق، خيام، قم.
- الذريعة الى أصول الشريعة، جامعة طهران، تهران، ١٣٦٤ ش.
- رسائل المرتضى، دار القرآن الكريم، قم، ١٤٠٥ ق.
- غامدي، سعيد بن ناصر، حقيقة البدعة وأحكامها، مكتبة الرشد، الرياض، ١٤١٩ ق.



فوزان، صالح بن فوزان بن عبدالله، الإرشاد إلى صحيح الاعتقاد والرد على أهل الشرك و الإلحاد، دار ابن الجوزي، ١٤٢٠ ق.

-----  
للتشرو والتوزيع، رياض.

فياض لاهيجي، ملا عبد الرزاق، گوهر مراد، سايه، تهران، ١٣٨٣ ش.

فيض كاشاني، محمّد محسن، علم اليقين في أصول الدين، بيدار، قم، ١٣٥٨ ش.

-----  
ق. ١٤٢٣. قرة العيون في المعارف والحكم، دار الكتاب الإسلامي، قم،

قفاري، ناصر بن عبدالله، أصول مذهب الشيعة الإمامية الإثني عشرية - عرض ونقد، المملكة العربية السعودية، ١٤١٤ ق.

-----  
السعودية، ١٤١٤ ق. مسأله التقريب بين أهل السنة والشيعة، المملكة العربية

كاشف الغطاء، محمد حسين، أصل الشيعة وأصولها، مؤسسة الأعلمي، بيروت، ١٤١٣ ق.

كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، دار الكتب الإسلامية، تهران، ١٣٦٢ ق.

مجلسي، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، مؤسسة الوفاء، بيروت، ١٤٠٣ ق.

-----  
تهران، ١٤٠٤ ق. مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، دار الكتب الإسلامية،

مطرفي، عويد بن عياد بن عايد، آيات عتاب المصطفى ﷺ في ضوء العصمة والاجتهاد، دار ابن الجوزي، مكة، ١٤٢٠ ق.

مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، المسائل العكبيرة، دار المفيد، قم، ١٤١٣ ق.

-----  
قم، ١٤١٣ ق. النكت الإعتقادية ورسائل أخرى، المؤتمر العالمي للشيخ المفيد،

-----  
للشيخ المفيد، قم، ١٤١٣ ق. أوائل المقالات في المذاهب والمختارات، المؤتمر العالمي

-----  
ق. ١٤١٣. تصحيح اعتقادات الإمامية، المؤتمر العالمي للشيخ المفيد، قم،

مقريزي، تقى الدين احمد، الخطط المقريزية المسماة بالمواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار، دار احياء العلوم ودار العرفان، بيروت.

نجاشي، ابوالعباس احمد بن علي، رجال نجاشي، دار الأضواء للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، ١٤٠٨ ق.

نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۸۱ م.

### منابع الکترونیک

خبرگزاری باشگاه خبرنگاران، «وهابیون گردن بندهای منقش به عبارت «لا نبی الا علی» را در مصر توزیع کردند»، <http://www.yjc.ir/fa/news/4434657>، ۱۲ تیر ۱۳۹۸.

سقاف، علوی بن عبدالقادر، الموسوعة العقدية، موقع الدرر السنية على الإنترنت [dorar.net](http://www.dorar.net)، ۱۴۳۳ ق.

عقل، ناصر بن عبدالکریم، مجمل أصول أهل السنة، دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية، <http://www.islamweb.net>.

غفیس، یوسف بن محمد علی، شرح الواسطية، دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية، <http://www.islamweb.net>.

## نقد تهمة دعوى نبوة الأئمة عند الإمامية

عبد الهادي أحمدى<sup>١</sup>

### الخلاصة:

نسبت دعوى الاعتقاد بنبوة أئمة الشيعة للإمامية في بعض كتب الوهابية، لتمهيد القول بتكفير الشيعة. والسؤال الأساس الذي يطرحه المقال: هو أن الوهابية بأي حجة ألقوا بالشيعة هذا الاتهام؟

إن دعوى النبوة للأئمة هو غلو بالنسبة إلى الإمام، وهذه الدعوى لكونها مضادة لضرورة الدين وهي خاتمية النبي ﷺ تمهد لتكفير الشيعة. وللإجابة على هذا السؤال يدرس الكاتب أولاً مناشئ دعوى النبوة وكذلك اختلاف النبوة الحقيقي والماهوي والصفات مع الإمامة، يطرح عدّة احتمالات لمنشأ هذه الشبهة، ومع دراسة مصادر الوهابية تبين المقالة أن هذه الأدلة هي نوعاً ما منسوخة، أو مبنائية، أو مغالطية، أو إعلامية فحسب.

المفردات الأساسية: الإمام، الشيعة، العصمة، علم الغيب، الوهابية.

١. طالب السطح الرابع في الحوزة العلمية بقم المقدسة: abdolhadiahmadi@gmail.com

# A critique on the alleged attribution of prophethood to Imams in the view of Imami Muslims

Abd ul Hadi Ahmadi<sup>1</sup>

## Abstract

In some Wahabi writings, the fact that some Shias attribute prophethood to Imams is blamed on the followers of Imami movement. This very act is indeed paving the ground to regard Shias as strayed and excommunicate them. The central question addressed by the current research is: on what grounds do Wahabis regard Shias as having such distorted beliefs? Attributing prophethood to Imams is an exaggeration of the elevated status of Imams. Some people claim that Imams have the status of prophethood in addition to being Imams. This belief runs counter to the central belief of Islam which states prophet of Islam is the very last messenger sent by Almighty Allah towards mankind. yet it is another perfect pretext for Wahhabis to deem Shias as strayed from religion. To present the answer, the current research first explores the essential difference between Imams and prophets in terms of their character and being in both Shia and Wahabi ideology. It then looks at the background of attributing prophethood to Imams and the existence of exaggeration in Shia ideology in describing Imams. After a deep probation of their writings, It is concluded that Wahabi line of reasoning is obsolete, false, erroneous or maybe just a propaganda.

**Key words:** Imam, Shiaism, infallibility, knowledge of the unseen, attributing prophethood to Imams, Wahabism

---

1. Fourth level graduate of Howze school for Islamic studies in Qom. Email: [abdolhadiahmadi24@gmail.com](mailto:abdolhadiahmadi24@gmail.com)